

مهر امسال، دویستمین سال انتشار نخستین کتاب در پایتخت بود

سرآغاز چاپ کتاب در طهران



مجید جلیسه
پژوهشگر نسخ خطی



تصویری از «محرق القلوب»، نخستین کتاب منتشر شده در پایتخت

در سال ۱۲۳۳ ق. / ۱۱۹۷ ش. اولین کتاب چاپی ایران به نام «رساله جهادیه» نوشته میرزا عیسی قائم مقام فراهانی (؟- ۱۲۳۷ ق.) در شهر تبریز به همت محمدعلی بن حاجی محمدحسین آشتیانی با تکنیک چاپ سربی (حروفی) منتشر می‌شود. به فاصله پانزده ماه بعد از چاپ «رساله جهادیه»، همین کتاب بار دیگر با هنرمندی فردی به نام میرزا زین العابدین بن ملک محمد تبریزی اما این بار با حروفی زیباتر به تاریخ سه‌شنبه هفتم ذی‌حجه سال ۱۲۳۴ ق. / ۱۱۹۸ ش. تجدید چاپ می‌شود. زین العابدین با مهارت‌های فوق‌العاده و هنرمندانه فوتی طراحی می‌کند که از این پس پایه بسیاری از کتاب‌های چاپی بعدش قرار می‌گیرد و تا سال‌های سال این تخصص و هنرمندی میرزا زین العابدین است که موجبات انتشار ده‌ها کتاب را با این تکنیک چاپ در ایران فراهم می‌کند.

حدود سال‌های ۱۲۳۷-۸ ق. میرزا زین العابدین با دعوت فتحعلی شاه به طهران رفته و چاپخانه خود را در این شهر بنا می‌کند. اولین محصول چاپی که از این چاپخانه سراغ داریم کتابی است با نام «محرق القلوب» نگاشته محمد مهدی بن ابوذراقی (۱۱۲۸-۱۲۰۹ ق.) که در ماه صفر ۱۲۳۹ ق. مصادف با مهرماه سال ۱۲۰۲ ش. چاپ و منتشر می‌شود.

سوالی که در این جا پیش می‌آید این است که چرا «محرق القلوب» این شانس را پیدا می‌کند که به‌عنوان اولین کتاب منتشره در تهران چاپ و منتشر شود؟ فتحعلی شاه قاجار افتخار می‌کرد که سلطنتش به نیابت از مجتهدین عصر اوست! وی همراهی و نزدیکی علمای وقت با حکومت را برای کسب مشروعیت و تحکیم بنیان سلطه قاجار چه در داخل کشور و چه در مقابله با بیگانگان باالخص روسیه لازم داشت. تعامل و همراهی علمای دینی با حکومت قاجار تا بدان جا به یک‌دیگر نزدیک می‌شود که در یکی از حساس‌ترین برهه‌های تاریخی یعنی جنگ میان امپراطوری روسیه و ایران، حکومت قاجار دست یاری به سمت علما دراز کرده و آن‌ها نیز با قاطعیت به پشتیبانی حکومت می‌پردازند.^۲ همراهی و هم‌دلی علمای دینی با حکومت قاجار آن‌چنان نزدیک می‌شود که شیخ جعفر کاشف‌الغطاء وقتی به ایران سفر (۱۱۵۶-۱۲۲۸ ق.) می‌کند، از توجه و عنایت فتحعلی شاه قاجار نسبت به عالمان دینی به وجد آمده و کتاب «کشف‌الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء» خود را به او پیش کش می‌کند. در این میان استفاده از رسانه چاپ به‌عنوان ابزاری برای مشروعیت‌بخشی به وجهه دینی حکومت قاجار و هم‌چنین تبلیغ هم‌راهی علمای دینی با این حکومت در دستور کار قرار می‌گیرد. چراکه آن‌ها از نفوذ کلام روحانیت در میان جامعه‌باخبر بوده و یقین داشتند که این نفوذ کلام برای پیش برد سیاست‌های دستگاه حاکم بسیار لازم است.

برخلاف تبریز که چاپ و انتشار کتاب‌هایی در موضوع ادبیات، تاریخ و پزشکی برای توسعه آگاهی، سواد و بهداشت جامعه در دستور کار بود، رسانه چاپ در طهران کاملاً در خدمت مذهب و علمای دینی قرار می‌گیرد و بیش‌ترین تعداد آثاری که در این شهر چاپ و انتشار می‌یابند آثار فقهی، اصولی یا متون مذهبی و دینی و البته در صدر آن‌ها کلام الله مجید است. همین قضیه توجه دستگاه حکومت به طبقه علمای دینی و حوزویان و هم‌چنین متقابلاً رویکرد و توجه علمای دینی به حکومت قاجار و موضوع چاپ و نشر را نشان می‌دهد.

ملا احمد نراقی (۱۱۸۵-۱۲۴۵ ق.) فرزند محمد مهدی نراقی یکی دیگر از علمای

دینی نزدیک آن عصر به فتحعلی شاه است. او از چنان جایگاهی در حکومت برخوردار است که از او به‌عنوان مرجع تقلید شاه‌یاد می‌شود و نوشته‌های خود را غالباً به پیشنهاد سلطان یا برای هدیه به سلطان تحریر می‌کند.^۳ نراقی به دستور فتحعلی شاه کتاب «جامع السعادات» پدر خود را از زبان عربی به فارسی ترجمه کرده و «معراج السعاده» نام نهاد. هم‌چنین کتاب «سیف‌الامه و برهان‌المله» را در ردّ یساری نصرانی به نام فتحعلی شاه و به دستور پسرش عباس میرزا به نگارش در آورده است.^۴ رساله عملیه ملا احمد نراقی یعنی کتاب «وسيلة النجاة» نیز به دستور فتحعلی شاه به نگارش در آمده است. توجه فتحعلی شاه قاجار به ملا احمد نراقی تا بدان جا است که به دستور او در مدت هشت سال مدرسه‌ای وسیع و خاص در کاشان تأسیس و کفالت تولید این مدرسه بر عهده او گذاشته می‌شود.^۵ این تعامل و هم‌راهی میان فتحعلی شاه قاجار و ملا احمد نراقی را می‌توان یکی از مشخص‌ترین دلایل چاپ و انتشار کتاب «محرق القلوب» پدرش ملامهدی نراقی دانست. از سویی دیگر «محرق القلوب» کتابی ایدئولوژیک با محتوایی کاملاً دینی اما در راستای سیاست‌های آن‌زمان حکومت قاجار یعنی سیاست ظلم‌ستیزی و مبارزه با کفر است. کتابی با مضمون مظلومیت اهل بیت علیهم‌السلام و بالخص امام حسین علیه‌السلام و یاران‌اش که با هدف تقویت بنیان‌های مذهبی مردم و از طرفی دیگر برانگیزاننده احساس مبارزه با جور و ظلم به‌چاپ می‌رسد. البته مخاطب اصلی این کتاب‌ها بیش‌تر روحانیون و منبری‌هایی بودند که با روایت‌گری داستان‌های این کتاب با زوری تبلیغاتی حوزه‌های علمیه و حکومت وقت به شمار می‌رفتند.

پی‌نوشت:

۱. روضه الصفا، رضاقلی هدایت؛ مصحح: جمشید کیانفر، تهران، اساطیر، ۱۳۸۰، ۷۱۵/۱۳.
۲. ناسخ‌التواریخ، محمدتقی سپهر، مصحح: محمدباقر بهبودی، تهران، اسلامیه، ۱۳۵۳، ۱۸۴/۱.
۳. «اندیشه سیاسی ملا احمد نراقی»، داود فیروزی، علوم سیاسی، شماره ۱۷، بهار ۱۳۸۱، ص ۱۹.
۴. مکارم الآثار، محمدعلی حبیب‌آبادی، اصفهان، انتشارات انجمن کتابخانه‌های عمومی شهر اصفهان، ۱۳۳۶/۴.
۵. «وقنامه مدرسه سلطانی کاشان»، ایرج افشار، فرهنگ ایران‌زمین، شماره ۲۳، ص ۹۵.